



انواع ضرب المثل با حرف ص

صابون به دل مالیدن:

خود را برای کسب لذت روحی یا جسمی آماده کردن، وعده و وعید خوش به خود دادن.

صابون چرک را می برد، چرک صابون را:

هر عملی یک عکس العمل دارد، در خشم و پرخاشجویی اگر طرف مقابل ناراحت می شود، خود پر خاشاکر هم از ناراحتی بی نصیب نمی ماند.

صابون کسی به تن خوردن:

هنگامی که صدمه و ضرر و بدی های کسی به شخص دیگر رسیده و ثابت شده باشد.

صبر ایوب:

صبر فراوان و طولانی مدت.

صبر قاصد خداست، کارها رو پرواست:

معروف است که: یک بار عطسه کردن به معنای صبر یا انحراف از کار است و عطسه دوم اقدام به انجام کار را تأکید می کند.

صدا از دیوار در بیاد از فلانی در نمی یاد:

کم حرف بی سرو صدا، در بعضی مواقع در مورد سکوت از روی ترس (یا تعجب و یا شنیدن حرف حق و درست نیز گفته می شود).

صد تا چاقو بسازه یکیش دسته نداره:
وصف دروغگو و پشت هم انداز.

صد تا یک غاز:
حرف های بی ارزش و بی سروته.

صغری کبری چیدن:
مقدمه چینی، حاشیه رفتن.

صلاح مملکت خویش خسروان دانند:
هر کسی مصلحت کار خود را بهتر از دیگران تشخیص می دهد.

صنار بده آتش، به همین خیال باش:
برای ناامید و منصرف کردن کسی می گویند که به چیزی امید بسته و دل خوش کرده باشد.

صورت زیبای ظاهر هیچ نیست / ای برادر سیرت زیبا یار:
ظاهر و صورت زیبا به درد نمی خورد، باطن زیبا و اخلاق و روحیات نیکو داشتن ارزشمند و موجب موفقیت و عزت انسان در برابر خدا و دیگران و دیگران است.

صورتش را با سیلی سرخ نکه می داره:
اشاره به حفظ آبرو کردن.